

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۳۶ - ۱۱۳

بررسی رویکرد اخلاقی، اجتماعی نظام نیمه آزادی به استناد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

^۱ نفیسه جلالی^۲ ایرج گلدوزیان^۳ سیدرضا موسوی

چکیده

یکی از ابزارهای سیاست جنایی نهادهایی است که راه را برای بازگشت بزهکاران به جامعه هموار می‌کند کیفر زندان هر چند فی حد ذاته فرصتی است که آمادگی لازم را برای بازگشت پدید می‌آورد و زندانی را در آستانه ورود به اجتماع از توانایی سازگاری دوباره برخوردار می‌سازد، اما نباید فراموش کرد که محیط زندان با تمام امکانات بازپروری محیطی است اصولاً توان‌گیر و انس مخصوصاً در محکومیت‌های دراز مدت بزهکار را به هنگام خروج از زندان با دشواری‌های سازگارپذیری مواجه می‌کند. همین امر باعث شد تا قانون‌گذار برای اولین بار در قانون مجازات اسلامی مصوبه ۱۳۹۲ نظامی را تحت عنوان نظام نیمه‌آزادی در ماده‌ی ۵۶ و ۵۷ تصویب نمود که این تأسیس حقوقی به نفع برخی از متهمین است که اعطای این تأسیس به متهمان منوط به احراز شرایط متعددی است. در مقاله حاضر ضمن بررسی نظام نیمه‌آزادی در قانون مصوب ۹۲ و بررسی مبانی قانونی و شرعی و مراحل اجرای آن، این نظام را در قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری ۱۳۹۹ بررسی کرده و دریافته شد که این نظام که رضایت محکوم در میزان مجازات در آن شرط است نه تنها تسامحی به حال متهم است بلکه به حال جامعه و دولت مفید است زیرا با خروج متهم از زندان جامعه نیروی کار بیشتری را برای رونق و تولید داشته و از طرفی هزینه‌ی دولت در زندان‌ها کم خواهد شد و این توافق با متهم نمونه‌ی بارز قراردادی شدن عدالت کیفری در ایران است.

واژگان کلیدی

عدالت اجتماعی، حبس، نظام نیمه‌آزادی، عدالت قراردادی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

Email: Nafise.law@gmail.com

۲. استاد تمام، دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی دانشگاه

Email: miramts@yahoo.com

۳. استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دکتری تخصصی علوم قرآنی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی،

Email: R3131393@gmail.com

گرگان، ایران. (نویسنده مسئول)

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۹/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۰

طرح مسأله

نظام نیمه‌آزادی در شمار جایگزین‌های حبسی است به گونه‌ای که زمینه‌ی بازپروری محکومان را طی یک فرآیند قراردادی نمودن حقوق کیفری فراهم می‌سازد. پیدایش روش نیمه-آزادی مدیون اجرای نظام تربیتی ویژه‌ای است که در اصطلاح کیفرشناسان به نظام ایرلندی یا نظام تدریجی معروف شده است. این نظام نخستین بار در سال ۱۸۲۸ میلادی به ابتکار وزیر ریاداری فرانسه هیدونو ویل درباره‌ی محکومان به زندان به کار بسته شد. سپس در سال ۱۸۴۰ به وسیله فرمانده دریایی انگلیس به نام ماکونوچی در جزیره نورفولک به اجرا درآمد و سرانجام از آنجا که نتایج سودمندی به بار آورد. در سال‌های ۱۸۵۰ به وسیله والتر کروفتون در مقیاس گسترده‌تری در ایرلند به اجرا گذاشته شد. (کوشا، شاملو، ۱۳۹۳، ۲۰۲)

به تعبیر حقوق‌دانان فرانسوی در نظام نیمه‌آزادی محکوم در طول روز و بدون نگهداری خود را در خارج از محیط زندان انجام می‌دهد و شب‌ها و روزهای تعطیل را در زندان سپری می‌کند. (پرادل، ۱۳۷۴، ۱۳۴؛ آنسل، ۱۳۸۸، ۳۱)

ایشان نظام نیمه‌آزادی را از نظام کیفرهای پایان هفته‌ای متمایز می‌کنند که در آن محکوم مجازات خود را به دفعات مستمر از جمعه شب تا صبح دوشنبه تحمل می‌کند و در روزهای کاری هفته به دنبال زندگی معمولی خود می‌رود. (آنسل، ۱۳۸۸، ۳۱)

در مکاتب مختلف جهان، بنام، مناسب‌ترین ضمانت اجرای کیفری را حبس می‌دانست و بعدها با روی کار آمدن مکتب دفاع اجتماعی و تحقیقی به نقد مجازات‌ها پرداخته شد و به دنبال تناسب‌پذیری بین جرم و مجازات و شخصیت محکوم بودند چرا که کیفر حبس از ابعاد مختلف از قبیل تحمیل هزینه‌های زیاد به جامعه و ناکامی در اصلاح و بازپروری بزهکاران و تسهیل تکرار دوباره و از همه مهم‌تر تبعات و جرایم جدید که در دوران حبس آموزش دیده است را می‌تواند نمایان کند. (امینی، ۲۰۱۳، م، ۷۵)

تحول دیدگاه‌ها نسبت به زندان به انتشار کتاب‌های متعددی پیرامون زندان‌های فرقه‌ای مذهبی اثر ژان مبیون کشیش فرانسوی در سال ۱۶۹۰ میلادی نسبت داد که با الهام از دین و بر مبنای اصول فردی‌سازی و انسان‌سازی کیفر حبس چنان تأثیری بر جا نهاد که به تعبیر پرادل فرانسوی، کلیه‌ی مقررات نوین زندان‌ها که حاوی قواعدی در زمینه‌ی انضباط، بهداشت و کار، ملاقات، مدرسانی معنوی هستند و همچنین مقررات جدید زندان که در تاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۸۷ میلادی که مورد تصویب کمیته وزرای شورای اروپا قرار گرفت و همگی در کتاب کوچک ژان مبیون جمع‌اند. (پرادل، ۱۳۷۴، ۳۷-۳۴)

آثار مشابهی در رابطه با این موضوع به چشم می‌خورد. دکتر امیرحسین نیازپور در کتاب توافقی شدن آیین دادرسی کیفری بیشترین بحث را در خصوص قراردادی شدن بیان کردند، اما

وجه تمایز مقاله حاضر با آثار مشابه آن است که به بررسی قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۹ پرداخته شده و با رویکرد اخلاقی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. در قانون مجازات اسلامی نیز به این مقوله‌ی ارزشمند انسانی توجه نموده و به نهادهای مهمی از جمله نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط توجه کرده است. وقتی در این نظام برای تعیین مجازات رضایت خود محکوم شرط اساسی و ساختاری می‌شود به این معنا است که محکوم با مقام قضایی طی توافقی به قراردادی خواهند رسید که اراده‌ی هر دو طرف دارای درجه‌ی اعتبار می‌باشد. بدین جهت در این مقاله نه تنها به دنبال چپستی و چرایی نظام نیمه‌آزادی بلکه به دنبال اثرات آن بر روی محکوم و جامعه به‌عنوان نهاد اجتماعی و شرایط و ضوابط این نظام در راستای قانون و قوانین شرعی و متفرقه پرداخته خواهد شد.

۱. پیشینه‌ی نظام نیمه‌آزادی

خاستگاه حقوقی نظام نیمه‌آزادی را باید در حقوق کیفری کشورهای غربی از جمله فرانسه و ایرلند جستجو کرد. (اکرمی؛ سیف‌الله‌پور، ۱۳۹۶، ۸)

اما پیشینه‌ی تأسیس نظام نیمه‌آزادی در کشور ما به آیین‌نامه اجرایی قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۴۷ برمی‌گردد که مقرر می‌داشت: «درمورد اطفالی که مدت توقف آن‌ها در قسمت اصلاح و تربیت و یا زندان بیش از شش‌ماه باشد، در آخرین ماه توقف چنانچه مدیر کانون، رفتار و وضع روحی و اخلاقی طفل را مناسب تشخیص دهد می‌تواند با اطلاع و پس از تأیید قاضی دادگاهی که طفل را به کانون اعزام داشته است موافقت نماید که طفل روزها در خارج نزد کارفرمای مورد اعتماد کار کرده یا در آموزشگاهی که مورد موافقت کانون باشد تحصیل نماید و شب‌ها به کانون مراجعه کند.»

مطابق تبصره این ماده «مدیر کانون در این باره با کارفرمای مربوط قراردادی منعقد خواهد نمود و در نحوه‌ی کار، تحصیل و حضور و غیاب اطفال به وسیله‌ی مددکاران اجتماعی یا نمایندگانی که از این نظر تعیین می‌شوند نظارت خواهد داشت، در صورت نقض مقررات این ماده به وسیله‌ی طفل مراتب فوراً جهت اتخاذ تصمیم مجدد به دادگاه مربوط اعلام خواهد شد.» (اکرمی، سیف‌الله‌پور، ۱۳۹۶، ۹)

متعاقباً آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۵۴ در ماده (۵۱) ضمن تصریح به نظام نیمه‌آزادی این موضوع را به موارد دیگر مانند زندانیان واجد شرایط اشتغال به کار در مؤسسات صنعتی و کشاورزی خارج از زندان می‌باشند تعمیم داد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ماده (۱۱) قانون جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نوعی محدود از نظام نیمه‌آزادی را تحت عنوان «حبس با خدمت» بیان نمود.

که این موارد تقریباً معادل همان نظام نیمه‌آزادی فرانسه بود که در قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲ به صراحت نظام نیمه آزادی پیش‌بینی شد.

گسترش نظارت‌های تأمینی زندان‌هایی بدون دیوار، گامی به سوی کاهش مجازات‌های حبس بوده است که شروع آن در ماه می ۱۹۹۷ میلادی، دولت جدید انگلستان از حزب کارگر بود که اعلام کرد.

به موازات سیاست‌های نوین در مورد مسئله آموزش و دولت رفاه، به سازی عدالت کیفری نیز باید در اولویت دولت جدید قرار گیرد. (Savage, 1998, 111)

تونی بلر نخست وزیر وقت انگلستان راهبرد جدیدی را برای گسترش تکنیک‌های نظارتی پیشرفته و جمع‌آوری اطلاعات، از جمله نصب دوربین‌ها و تلویزیون مداربسته ارائه داد. بلر معتقد بود که به هنجار بودن جرم و این‌که جزئی از زندگی امروز ما این است اعتقاد داشت. مدیریت نوین جرم، بی‌شابهت به آموزه‌های نخستین جنبش دفاع اجتماعی و بنیان‌گذاران اتحادیه بین-المللی حقوق جزا نیست. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ۷۳۱)

مدیریت محوری کیفرشناسی نوین باعث گردید تا کنترل اجتماعی، تدابیری جدید در سیاست جنایی دولت فراهم آورد و کارهایی مانند روی‌آوری، سلامت، آموزش و رفاه نیز قابل رویت است و این نیز می‌تواند پیشینه‌ای برای نظام نیمه‌آزادی باشد.

۲. ادبیات نظام نیمه‌آزادی

در این قسمت به بیان مفاهیم و مبانی و نظام نیمه‌آزادی پرداخته خواهد شد که تحت عنوان چپستی و چرایی بیان خواهیم کرد.

۲-۱. نظام نیمه‌آزادی

نظام نیمه‌آزادی از جمله شیوه‌های توافقی و قراردادی است که میان محکوم و مقام قضایی طی یک گفت‌وگو در مرجع قضایی حاصل می‌شود که طی آن محکومین به حبس را در دوران حبس در خارج از محیط زندان تحت حمایت امور درمانی و خدمات نگهداری و آن‌ها برخی از فعالیت‌های مربوط به زندگی خود را در بیرون از محیط زندان انجام می‌دهند که طی آن محکوم بدون مراقبت در بیرون از زندان فعالیت‌های حرفه‌ای خود را انجام خواهد داد و در دیگر زمان‌ها مثل شب‌ها در زندان به‌سر می‌برد. (نیازپور، ۱۳۹۲، ۳۰۹)

این نظام به دو روش اجرا می‌شود. مجرمان گاه بدون مراقب مانند کارگران ناکرده بزه در محیط خارج از زندان اشتغال یافته فقط در هنگام استراحت و روزهای تعطیل در زندان به‌سر می‌برند و گاهی برای آموزش علمی و حرفه‌ای و نیز درمان اختلال‌های عصبی، روانی، شخصیتی و حتی حبسی به بیرون از محیط زندان اعزام می‌شوند. (دانش، ۱۳۷۶، ۳۹۱)

این شیوه نقش بسیار مؤثری در ثبات خانوادگی مجرم داشته و اصل فردی بودن مجازات‌ها را تضمین می‌کند و از سوی دیگر اصلاح گام‌به‌گام مجرم را در دستور کار قرار می‌دهد و در

بازپروری بزهکاران نقش مؤثری ایفا می‌کند. (بابیوردی، ۱۳۹۶، ۱۰)

۲-۲. چرایی نظام نیمه‌آزادی

در این مبحث به مبانی نظام نیمه‌آزادی که شامل مبانی اجتماعی و قانونی و مبانی فقهی است پرداخته خواهد شد.

۲-۲-۱. مبانی اجتماعی روی آوری به نظام نیمه‌آزادی

۲-۲-۱-۱. معایب زندان از دیدگاه اجتماع

معایب فراوانی برای زندان از سوی حقوق‌دانان، قضات و مسئولین قضایی ذکر شده که به اختصار بیان می‌گردد.

امروزه اجتماعی به یکی از عناصر و کنش‌گر اصلی پیشگیری از جرم تبدیل شده است که زندان از جمله معایب اصلی اجتماعی است که به اجتماع آسیب می‌زند.

برای پیشگیری از آن گونه‌های مختلفی مانند به پلیس، شهرداری، مدارس، نهادهای مسئول در زمینه بهداشت و سلامت، واحدهای مددکاری اجتماعی و بخش خصوصی مشارکت می‌کنند.

به عنوان مثال، در کشور فیجی، اداره زندان و اصلاح درمان با هدف تغییر افکار عمومی در این خصوص از همه رسانه‌های موجود جهت انتشار این پیام که هر بزهکار باید از شانس دومی برای زندگی برخوردار گردد، استفاده می‌کند. (رازینی، ۱۳۹۲)

۲-۲-۱-۱-۱. ایجاد سابقه کیفری

در کشور ما ورود به زندان معمولاً مساوی است با ایجاد پیشینه‌ی کیفری، متأسفانه در ایران سیستم درج سوابق کیفری کامل نبوده و در عمل هر کسی به هر دلیلی پای به زندان می‌گذارد، با انگشت‌نگاری از وی، نوع اتهام یا محکومیت وی، به عنوان سابقه کیفری برای او منظور می‌شود و هر مجرمی که به زندان نمی‌رود سابقه‌ای برای او درج نمی‌شود هر چند که جرم این فرد شدید و مثلاً از نوع حد باشد. (آشوری، ۱۳۸۱، ۴۰)

در جامعه دیدگاه اکثر مردم به فردی که حتی چند شب در زندان بوده و برائت حاصل نموده، متفاوت از سایر بزهکاران است و این امور این امر را ایجاب می‌کند که در استفاده از مجازات حبس می‌بایست محتاطانه‌تر اقدام نمود. ارتکاب جرایم و تعداد بزهکاران نیز به طور فزاینده‌ای افزایش می‌یابد. (محمدی، ۱۳۸۴، ۹۸)

ارقام رو به افزایش نشان می‌دهد که باید زندانیان را به کار گماشت تا از هزینه‌هایی که دولت برای آن‌ها در زندان می‌کند کاسته شود تا آن‌ها بخشی از هزینه‌های نگهداری را در زندان خودشان تأمین کنند و باقی‌مانده مزد به خود بزهکار داده می‌شود تا به خانواده‌اش بدهد.

(آشوری، ۱۳۸۱، ۹۳)

از طرفی کمبود فضای مناسب برای نگهداری زندانیان و امکانات کافی برای آنان مبحث مهم دیگری است که با افزایش زندانیان خطر بزرگی است. بنابراین آیا می‌توانیم بگوییم که بهترین شیوه پشتیبانی از جامعه زندان محسوب می‌شود؟ با وجود معایب زندان و تأثیرات مخرب آن در حقیقت زندان به یک آموزشگاه عالی فساد تبدیل می‌شود. (عسگری، ۱۳۸۳)

چطور می‌توان زندان را محلی برای اصلاح و تربیت دانست و از طرفی دیگر همسر و فرزندان محکوم در زندان دچار اختلالات شده و معمولاً همسران آن‌ها جدا می‌شوند و فرزندانشان با عناوین متفاوتی در جامعه مورد خطاب قرار می‌گیرند و این آثار سوء روانی و اجتماعی زندانی شدن والدین بر فرزندان تا سال‌ها همراه آن‌ها خواهد بود و بدین ترتیب که در صورت زندانی شدن پدر و طلاق مادر و ازدواج مجدد او با مرد دیگر فرزندان دارای ناپدری می‌شوند و ناپدری خود دارای تبعاتی در سرنوشت فرزندان خواهد بود. فلذا با بیان ایرادات اشاره شده به نظر می‌رسد که باید در به‌کار بردن مجازات حبس در مرحله قانون‌گذاری رسیدگی در محاکم و اجرای احکام بازنگری جدی صورت گیرد. (مظلومان، ۱۳۶۸، ۱۵۰)

بنابراین مهم‌ترین جلوه‌های مشارکت اجتماع در بازپذیری بزهکاری به شرح زیر می‌باشد:

الف) مداخله در بازپروری، درمان و بازگشت پذیری اجتماعی.

ب) مشارکت در برنامه‌های ترک تکرار جرم.

ج) مساعدت در ارائه خدمات حین آزادی مشروط، خدمات پسازندان و بازگشت زندانی به جامعه.

هرچند سازمان‌های داوطلب و جامعه مدنی چندان مقید به این تکلیف نمی‌باشد. البته گاهی با جامعه‌ی خطر مواجه می‌شویم. یعنی اجتماعات فقیر و فروپاشیده توأم با نرخ بالای بزهکاری و آمار بالای زندانی. در این شرایط خروج جمعیت زندانی به همین جامعه آسیب‌پذیر موجب ایجاد مشکل برای خود اجتماع و نیز زندانیان می‌گردد. البته رصد جغرافیایی حضور این دسته و محل تمرکز و تجمعشان می‌تواند ضمن کاهش تأثیر عوامل خطر، به برنامه‌ریزی برای ارائه خدمات به آنان کمک کند.

۲-۲-۲. مبنای قانونی روی‌آوری به نظام نیمه‌آزادی

۲-۲-۲-۱. جایگاه حبس و حبس‌زدایی در قوانین کیفری

مجازات حبس یکی از اولین و قدیمی‌ترین مجازات‌هایی است که در قوانین جزایی فرهنگ‌های بشری در ازای رفتارهای مجرمانه افراد تعیین می‌گردد.

با علمی شدن مجازات‌ها و ظهور مکاتب کیفری، سعی در هدفمند کردن مجازات‌ها شد تا حبس با هدف امکان اصلاح و بازپروری مجرم و امکان بازگشت به جامعه ممکن شود.

ولی حبس به علت مشکلاتی که برای مجرم و خانواده وی و جامعه ایجاد می‌کند، مطلوب نیست. (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۷۸، ۸۸-۶۷)

وقتی فردی به زندان می‌رود علت قبیحی که در جامعه دارد با دیده حقارت به محکوم و خانواده وی نگریسته می‌شود. مشکلات ذکر شده باعث گردید تا کشورهای مختلف و از جمله ایران در پی حبس‌زدایی از مجازات‌ها و تعیین مجازات‌های جایگزین باشند که در قانون مجازات اسلامی ۹۲ دیده می‌شود. با نگاهی به قانون فوق می‌توانیم نهادهای مختلفی را از جمله معافیت از مجازات در ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی که در مورد مجازات‌های تعزیری درجه ۷ و ۸ در صورت جهات تخفیف و پیش‌بینی اصلاح مرتکب و فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی قاضی می‌تواند مجرم را از مجازات معاف نماید. (گلدوست جویباری، ۱۳۹۴، ۶۲-۵۳)

از نهادهای دیگر می‌توان به تعویق صدور حکم در ماده ۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره نمود که در جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ با وجود شرایطی صدور حکم را به تعویق می‌اندازد و در صورت رعایت کلیه تدابیر و دستورات از طرف محکوم حکم به معافیت او از کیفر پس از اتمام مدت تعویق داده خواهد شد. (مرادی، ۱۳۹۳، ۲۳۳)

از نهادهای دیگر نظام نیمه‌آزادی است که در ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره گردیده است

با بیان نمونه‌هایی از آثار حبس‌زدایی در قانون مجازات اسلامی و نمونه‌های دیگری مانند آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات می‌توانیم دریابیم که قانون‌گذار به عدم کارایی زندان پی برده است و به دنبال حبس‌زدایی و کاهش آثار جرم می‌باشد.

۲-۲-۲. اصلاح قوانین کیفری

مهم‌ترین دلیلی که امروزه باعث تراکم جمعیت کیفری زندان در ایران شده حبس محور بودن قوانین است که برای خارج شدن از این وضعیت ابتدا در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ و بعد از آن در قانون مجازات حبس‌های تعزیری مصوب اردیبهشت ۱۳۹۹ به صراحت به کاهش مجازات حبس پرداخته است و بسیاری از جرایم را قابل گذشت نموده و در خصوص نظام نیمه-آزادی که سابقاً در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ فقط در جرایم تعزیری درجه ۵ تا ۷ اعمال می‌شده اینک در جرایم تعزیری درجه ۲ و ۳ و ۴ پس از سپری شدن یک چهارم از مدت حبس و در حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ به صورت مطلق و در حبس‌های تعزیری درجه‌ی ۲ و ۳ و ۴ پس از سپری شدن یک چهارم از مدت حبس مشروط به سپردن تأمین گذشت شاکی، رضایت محکوم و تعهد محکوم پذیرفته می‌شود که این امور در مورد این نظام نشان می‌دهد که رویکرد قانون‌گذار به سمت کاهش مجازات حبس است.

۲-۲-۳. مبانی فقهی روی آوری به نظام نیمه آزادی

رویکرد فقه نسبت به نظام نیمه آزادی مستلزم ایضاح موقعیت مجازات حبس در حقوق اسلامی است.

۲-۲-۳.۱. جایگاه حبس در حقوق کیفری اسلامی

جایگاه حبس در حقوق کیفری اسلام می بایست در حبس های حدی و تعزیری بررسی کرد.

حبس های حدی را می توانیم در خصوص سرقت حدی در زمانی که سرقت را دو مرتبه انجام داده باشد و هر بار حد بر وی جاری شده باشد و در مرتبه ی سوم مجازات او حبس است اشاره کرد و محکوم باید تا پایان عمر در حبس باقی بماند. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۴۳۷؛ حلبی ۱۴۰۳، ۴۱؛ طرابلسی، ۱۴۰۶، ۵۴۵؛ ابن سعید حلی، ۱۴۰۵، ۵۶۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۴۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۰، ۱۸۴؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ۲۶۲)

یکی دیگر از وجوه مذکور در این امر این است که برخی در روایات این گونه استظهار می نمایند که «وَأُغْنَىٰ عَنِ النَّاسِ شَرَهُ» و «وَوَكَّفَ عَنِ النَّاسِ» است که دلالت بر این امر دارد که از طریق محبوس نمودن سارق، جامعه از شر محفوظ است و بعد از تحقق توبه دیگر شری برای سارق متصور نمی باشد که ادامه ی حبس وی را توجیه سازد. (منتظری، ۱۴۰۹، ق، ۵۱۸)

یکی از موارد دیگر در حبس های حدی در مورد ارتداد است که با توبه از زندان آزاد می شود. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲، ق، ۷۰۰)

در حبس های تعزیری دلالت اغلب روایات به اعتبار اقدام تأمینی جهت پیشگیری از تکرار تکرار بزه و معصیت از سوی مرتکب دانسته اند که ارتباطی با اجرای تعزیر ندارد و اصولاً جنبه ی تدابیر پیشگیرانه یا بازداشت موقت است نه مجازات و از این رو برخی جمع حبس را با مجازات حدی و تعزیری در همین نکته ندانسته اند که اصولاً به عنوان مجازات به آن نگریسته نشده است. (صافی گلپایگانی، بی تا، ۵۴)

با توجه به اصل حداقلی بودن استفاده از مجازات حبس، به عنوان ضمانت اجرای کیفری برای بزه کاران، به تبع هر نهاد مؤثر در تقلیل قلمرو اجرای مجازات یا آثار سوء آن، نه تنها با موازین اسلام مغایرتی ندارد بلکه در راستای تطابق دهی بیشتر با موازین مزبور تلقی خواهد شد. نظام نیمه آزادی نیز در همین راستا از نظر فقهی قابل توجیه است.

۲-۲-۳.۲. جایگاه نظام نیمه آزادی در حقوق کیفری اسلام

برخی از صاحب نظران با استناد به روایاتی که پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) جهت حفظ حقوق مردم، متهمین را چند روز و یا مقداری از روز حبس می نمودند، آن را همان روش نیمه آزادی قلمداد نموده اند. (دانش، ۱۳۶۸، ۱۴۵) فقهای عامه نیز بر جواز حبس خانگی به

عنوان تعزیر برخی از مجرمین فتوا داده‌اند. (وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیه الکویت، ۱۴۰۹ق، ۳۲۰)

چنانچه به هر دلیلی حاکم جامعه اسلامی تصمیم به حبس افراد در زندان و به دور از سایر اعضای جامعه بگیرد، بایسته است زمینه‌ی ارتباط زندانی با جامعه فراهم شود از مهم‌ترین سازوکارهای تأمین چنین هدفی اعطای آزادی محدود به زندانی جهت امور دینی، آموزشی و خانوادگی است و این را می‌توان نمونه‌ی بارز نظام نیمه‌آزادی دانست فلذا می‌توان دریافت که نظام نیمه‌آزادی ریشه‌ای عمیق در فرهنگ دینی و جامعه‌ی ما دارد که با کمی بررسی می‌توان به آن‌ها دست یافت.

فلذا همان‌طوری که اشاره شد مهم‌ترین هدف نظام نیمه‌آزادی در باب باز شدن اجتماعی شدن مجرم است که در جرم‌شناسی اسلامی به آن تأکید کرده است. در جرم‌شناسی اسلامی از مجرم با عنوان گناهکار تعبیر می‌گردد باید با بیان دیدگاه‌های مختلف در اثبات این امر پردازیم که جرم‌شناسی اسلامی به این امر تأکید دارد. بنابراین به چند دیدگاه می‌پردازیم:

دیدگاه اول: این است که فرد، شخصاً مرتکب این جرم (گناه) شده و ذینفع بوده، پس ضمن تحمل مجازات و کیفر، باید سعی کند مجدداً خود را در قالب نظم عمومی و اخلاق حسنه با جامعه هماهنگ کند و باز اجتماعی شود. این دیدگاه کاملاً ماتریالیستی است که فقط دید دنیوی دارد.

دیدگاه دوم: این است که باید در قالب‌هایی مانند مددکاری اجتماعی و کمک‌های محدود به فرد گناهکار کمک کنیم تا به زندگی برگردد. در این دیدگاه دوباره فرد محور قرار می‌گیرد. در هر دو دیدگاه فرد هنوز همان برچسب مجرم بودن را حتی بعد از تحمل کیفر و بازگشت مجدد به دامن جامعه را دارد و اینجاست که تشکیل پرونده‌ی شخصیت معنا پیدا می‌کند.

با بیان رویکردهای دیدگاه‌های اسلامی می‌توان نتیجه گرفت که علاوه بر بازگشت به جامعه مسئله برچسب‌زنی بسیار مهم است. در اسلام بزه‌پوشی بر مبنای مصلحت‌گرایی مصداق بارز دارد و اینجاست که توبه به‌عنوان راهی غیر از کیفر و مجازات و تأثیرگذار به سراغ فرد گناهکار می‌آید و او را به زندگی برمی‌گرداند و به مقامی بالاتر از دوران قبل از گناه دست می‌یابد.

نقش تعلیم اسلامی به‌معنای واقعی کلمه تجلی یافته و این دیدگاه کامل‌ترین و مؤثرترین نهاد بازگشت مجرم و گناهکار به دامن جامعه است. فلذا روش‌های غیرکیفری از نظر اسلام برای بازی اجتماعی شدن مجرم (گناهکار) مؤثرتر است. (قاسمی مقدم، ۱۳۸۸، ۲۰۷) و (موسوی فرد، محمدرضا، ۱۳۹۷، ۱۹۷-۱۹۵)

۳. آثار نظام نیمه‌آزادی

۳-۱. سرعت بخشی به رسیدگی‌های کیفری.

رسیدگی به پرونده‌های کیفری همواره از مهم‌ترین دغدغه‌های عمیق اندیشمندان و سیاست‌گذاران جنایی بوده است. چنان‌که شماری از اندیشمندان کیفری خصوصاً سزار بکاریا کارآمدی سیاست‌ها و اقدام‌های نظام عدالت کیفری را در گرو سری به بزهکاری می‌دانستند. (بکاریا، ۱۳۸۵، ۹۵) سرعت بخشی به رسیدگی در مدت زمان معقول نه به صورت فوری و شتابزده منظور است که در تضمین حقوق طرفین دعاوی کیفری و جامعه تأثیر بسزایی دارد. نظام نیمه‌آزادی به‌عنوان راهبرد و شیوه‌ای از قراردادی شدن عدالت کیفری از بارزترین راهکارهای پاسخ‌دهی سریع به بزهکاری است که با هدف قرار دادن سرعت‌بخشی به رسیدگی کیفری درصدد افزایش کارایی دستگاه عدالت کیفری در این زمینه است. بدین سان این سازوکار مرتکبان جرم سریعاً با پاسخ‌های عدالت کیفری مواجه می‌شوند و بزه‌دیدگان نیز در مدت معقول‌تری به خواسته‌هایشان خواهند رسید. (خزایی، ۱۳۷۷، ۱۵۰)

۳-۲. کاهش میزان استفاده از مجازات حبس

نظام عدالت کیفری از گذشته تا امروز از ضمانت اجرای متفاوتی استفاده نموده است که یکی از پرکاربردترین آن‌ها مجازات حبس بوده است که در برهه‌ای از زمان شدت بسیار یافته بود. (غلامی، ۱۳۸۷، ۶۳)

۳-۳. کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری

یکی از مهم‌ترین آثار کاربرد نظام نیمه‌آزادی کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری است. چنان‌که زمانی که محکومان از حبس آزاد شده و به اجتماع برمی‌گردند نه تنها از هزینه‌ای که برای زندانیان در زندان صرف می‌شود کاهش می‌یابد بلکه نیروی کار به جامعه اضافه شده و می‌تواند موجب رشد و شکوفایی اقتصادی در جامعه شود. از طرفی معمولاً هزینه‌های مربوط به جبران زیان‌های وارده به بزه‌دیدگان و چگونگی پاسخ‌دهی به بزهکاران بر عهده‌ی نظام عدالت کیفری بوده که با به‌کار بردن نظام نیمه‌آزادی در جرایم کم‌اهمیت می‌توان جبران زیان‌های وارده را بر عهده‌ی خود بزهکار و پاسخ‌دهی را به روش‌های نوینی که از هزینه‌های کمتری برای عدالت کیفری دارند، واگذار نمود که این پاسخ‌ها می‌تواند به صورت‌های کیفری و غیرکیفری باشند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ۵۱)

۳-۴. افزایش دقت در رسیدگی‌های کیفری

در این روزگاری که به موازات افزایش جمعیت انسان‌ها، میزان بزهکاری نیز رو به فزونی گذاشته است. چندان‌که شماری از آمارهای جنایی بیانگر رشد شمار بزهکاری در جوامع بشری

می‌باشد، استفاده از روش‌های سنتی پاسخ‌دهی به بزهکاری سبب افزایش حجم پرونده‌ها می‌شود و در نتیجه کاهش دقت در رسیدگی‌ها ایجاد می‌شود.

با اجرای نظام نیمه‌آزادی که از شماره پرونده‌ها کاهش می‌دهد و آمار پرونده‌های قضایی را کم می‌کند، می‌توانیم افزایش دقت در رسیدگی‌های کیفری را مشاهده کنیم.

۳-۵. بازپروری و اصلاح متهم/ مجرم

یکی دیگر از آثار اجرای نظام نیمه‌آزادی بازگشت متهم خلاصی یافته از حبس به جامعه است و این امر موجب بازپروری و اصلاح او می‌گردد زیرا در این پاسخ‌دهی مطلوب به وی این امکان داده می‌شود که مجدداً به‌عنوان شهروندی قانون‌مدار در جامعه حضور یابد و از فعالیت‌های قانون‌مدارانه‌ای که پی می‌گیرد، برخوردار شود و از سوی دیگر منافع اجتماعی را تأمین کند و از این منظر، اصلاح بزهکار همچون کیمیایی است که وجود بزهکار را از فردی معارض هنجارهای اجتماعی، به عضوی از جامعه که هم‌نوا با الزامات زندگی اجتماعی و مقید به ارزش‌های آن است، تبدیل می‌کند. (Skinner, 1953, 93-182)

البته کمک‌های بازپرورانه دولت در این زمینه تأثیرگذار است، مثلاً سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با ارائه برنامه‌های حمایتی اثربخشی مناسبی در افراد داشته باشند که در این زمینه سطح آموزش، سن، شرایط زندگی و اشتغال بزهکار مورد توجه قرار می‌گیرد. از دیگر موارد بازپذیری کمک به بزهکاران در فرآیند بازگشت به بازار کار است که بدیهی است از عوامل موفقیت بازپذیر شدن آن‌ها می‌باشد. زیرا اشتغال صرفاً یک منبع درآمد نمی‌باشد بلکه ساختار و فرصت‌هایی را معیار می‌کند و ارتباطات اجتماعی را افزایش می‌دهد و احساس اعتماد و احترام به نفس را در بزهکاران بالا می‌برد.

معمولاً کارفرمایان از استخدام زندانیان سابق اکراه دارند. در این‌جا برجسب زندان به سایر عوامل مانند فقدان مهارت و تجربه اضافه می‌شود. بدین ترتیب اگر چه هنوز رابطه بین شغل و تکرار جرم روشن نیست اما نتایج نشان می‌دهد که آمار تکرار زندانیانی که توانسته‌اند پس از حبس یک شغل قانونی با یک پرداختی مناسب داشته باشند در مقایسه با زندانیان بدون یک موقعیت شغلی قانونمند کمتر است. (Visher, Winterfield and Coggeshall, (2005), (295-315; Voir, (2005), 7-12; Graffam, (2005), 147-171)

یکی از منابع بالقوه حمایتی برای بازپروری بزهکاران به جامعه، خانواده می‌باشد و به همین دلیل آن دسته از بزهکارانی که از حمایت خانواده برخوردارند در دستیابی به یک شغل و حفظ آن در مقایسه با دسته بدون حمایت موفق‌ترند. (برنور، ۱۳۸۸)

بازپروری بازگشت بزهکار به سمت جامعه مهم‌ترین هدف نظام نیمه‌آزادی است که به‌طور مختصر آن را شرح دادیم. (ابراهیمی، ۱۳۹۴، ۱۰۵-۱۰۴)

۳-۶. فردی سازی کیفرها

فردی کردن مجازات یعنی شناخت شخصیت واقعی مجرم با توجه به عوامل مختلف تأثیرگذار در ارتکاب جرم با استفاده از نظریه کارشناسان علوم مختلف و تعیین مجازات مناسب با شخصیت مرتکب به نحوی که باعث اصلاح و درمان مجرم شود و باعث بازگشت مرتکب به آغوش جامعه و خانواده‌هاش شود.

اجرای نظام نیمه‌آزادی موجب اصل فردی کردن مجازات‌ها و تناسب مجازات با شخصیت محکوم می‌شود که باید با توجه به شخصیت محکوم مجازات وی در نظر گرفته شود. زیرا فردی کردن مجازات‌ها همچون سایر اصول حاکم بر مجازات‌ها زاینده‌ی تفکر و اندیشه‌ای است که به ضرورت اجرای مجازات در جامعه بشری سخت انتقاد دارد. اما این بدان معنی نیست که اصل مذکور با تمام اهداف و خصایص مجازات سازگاری داشته باشد. زیرا یکی از خصایص عمده مجازات، خصیصه ثبات و مشخص بودن آن است قانون جزا باید صریحاً نوع کیفر و مدت آن را تعیین کند این امر با اصل فردی کردن مجازات‌ها تطابق ندارد، چون بنا به اصل مذکور نه تنها دادرس باید انتخاب نوع و میزان کیفر را بنا به تناسب حال مجرم آزادی عمل داشته باشد بلکه باید محدود کردن کیفر را هنگام صدور دادنامه الغا نموده و سرنوشت محکوم را به اداره زندان سپرد. در حقیقت بزهکار به بیماری تشکیل شده است که برای بهبود بیماری اعزام به بیمارستان می‌شود ولی زمان بیرون آمدن او دقیقاً از قبل تعیین نشده و خروج او بستگی به بهبودی و شفای کامل دارد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، ۲۰۰؛ سرکجوری، عباسی، بی‌تا، ۹۱)

نظام نیمه‌آزادی با فردی کردن مجازات کاملاً در ارتباط است به گونه‌ای که در مورد هر فردی باید کیفری متناسب با شخصیت و نوع جرم ارتکابیش اعمال شود و جنبه‌ی فردی باید اعمال گردد و این گونه عمل کردن به معنای واقعی اجرا کردن عدالت است. (صانعی، ۱۳۷۶، ۹۲)

۴. جایگاه نظام نیمه‌آزادی در حقوق کیفری ایران

در حقوق کیفری ایران نظام نیمه‌آزادی در مواد ۵۶ و ۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است. در مقام بیان جایگاه نظام نیمه‌آزادی می‌بایست به اجرا و نحوه‌ی اجرا و شرایط و ضوابط و ضمانت اجرای عدم رعایت تعهدات پردازیم.

۴-۱. اجرای صحیح نظام نیمه‌آزادی

در قانون تأکید گردیده است که برای اجرای صحیح این نظام باید مراکز در سازمان زندان‌ها با همین عنوان تأسیس شود و امکانات مالی و انسانی و ابزارهای پیشرفته در اختیارشان قرار بگیرد و بودجه مناسب در قوانین بودجه هر سال به آن‌ها اختصاص داده شود و در غیر این صورت مغفول خواهد ماند. (قدسی، بیگی، ۱۳۷۲، ۶)

در قانون و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ۱۳۷۲ در

ماده ۷ از مراکز به این شکل تعبیر گردیده است که: «مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال مکانی است که می‌تواند محصور و در پوشش خارجی دارای حفاظت مناسب یا نامحصور و بدون حفاظت مأمور انتظامی و یا در حالتی بینابین باشد که دوباره به آسایشگاه‌های خود بازگشت داده می‌شوند.» بنابراین در این نظام بزهکارانی مدتی از شبانه‌روز را در خارج از محیط زندان و بقیه مدت را در داخل آسایشگاه به سر می‌برند. فلذا به جای زندان نیمه‌باز از عنوان «مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال» استفاده شده است. (نیازپور، ۱۳۹۲، ۳۹۱)

۴-۲. اختیارات و الزامات دادگاه در اجرای نظام نیمه‌آزادی

به طور کلی دادگاه تکلیفی برای اجرای نظام نیمه‌آزادی ندارد حتی اگر همه شرایط قانونی آن فراهم باشد این نظام یک نهادی ارفاقی برای متهم و مجرم است که در راستای منافع بزهکار تاسیس گردیده و اختیاری در دید قاضی است.

۴-۳. شرایط نظام نیمه‌آزادی.

شرایط نظام نیمه‌آزادی در ماده ۵۶ و ۵۷ قانون مجازات اسلامی بیان گردیده است که در این قسمت به شرایط ماهوی که در قانون مجازات اسلامی قید شده و به ماهیت موضوع رسیدگی می‌نماید و شرایط شکلی موضوع که در قانون آیین دادرسی کیفری اشاره گردیده، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۴-۳-۱. شرایط ماهوی

در شرایط ماهوی که به نظام نیمه‌آزادی مرتبط است به موضوع حکم، رضایت محکوم، تعهد دادن محکوم، جلب رضایت شاکی (محکوم له)، سپردن تأمین مناسب اشاره خواهیم نمود.

۴-۳-۱-۱. موضوع حکم

نظام نیمه‌آزادی تنها در خصوص مجازات حبس قابل اعمال است و در خصوص جرایم بسیار مهم و دارای مجازات شدید اعمال نمی‌شود فرض بر این است که چنین مجرمانی خطرناک هستند.

از این رو ضمانت اجراهای دیگری مانند بازداشت بدل از جزای نقدی یا اقامت اجباری در مکان معین از مشمول نظام نیمه‌آزادی خارج است.

در خصوص انواع حبس تنها در حبس‌های تعزیری قابل اعمال است و در خصوص حبس‌های حدی که تعبدی است نمی‌توان تغییری در آن‌ها داد.

در ماده قانون مجازات اسلامی که در ماده ۱ انواع مجازات‌ها به حدود و قصاص و دیات و تعزیرات تقسیم شده است (ماده ۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) که مجازات‌های تعزیری به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: تعزیرات منصوص شرعی و تعزیرات

غیرمنصوص شرعی و تعزیرات حکومتی. با این تقسیم‌بندی باید گفت که مجازات حبس موضوع حکم نظام نیمه‌آزادی مشمول مجازات‌های تعزیری غیرمنصوص شرعی است چراکه تعزیرات منصوص شرعی مجازات‌هایی هستند که نوع جرم و مجازات آن در فقه و شرع بیان گردیده و در ردیف حدود و قصاص و دیات قرار خواهند گرفت و تغییراتی در میزان جرایم نمی‌توانیم بدهیم بنابراین تغییر، تبدیل، تشدید و تخفیف در حدود راه ندارد.

با این شرح باید گفت که نظام نیمه‌آزادی که یک نهاد ارفاقی به حال متهم است و مجازات را به نوع دیگری تبدیل می‌کند نمی‌تواند مشمول مجازات‌های تعزیری منصوص شرعی گردد.

همان‌گونه که در ماده‌ی ۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ نظام نیمه‌آزادی را در خصوص حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ بیان داشته بود که با تصویب قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری مصوب اردیبهشت ۱۳۹۹ این درجه‌بندی دچار تردید است چرا که قانون‌گذار به این ماده‌ی ۵۷ ت مصوب ۹۲ یک تبصره اضافه نموده است که طی آن این‌گونه بیان گردید: «در حبس‌های تعزیری درجه ۲ تا درجه ۴، پس از سپری شدن یک‌چهارم و در حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ به‌طور مطلق دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او تحت نظام نیمه‌آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه‌آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است.

تبصره- مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه‌های ۲، ۳ و ۴، در صورت گذراندن یک چهارم مدت حبس قابل اعمال است.

با بیان متن صریح قانون‌گذار در قانون مجازات کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۹۹ / ۲ / ۲۳ مجلس شورای اسلامی به این نتیجه خواهیم رسید که نظام نیمه‌آزادی دیگر همانند سابق فقط در حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ صرفاً به علت سبک بودن در این جرایم به‌کار می‌رفته است، نیست و در حبس‌های تعزیری درجه‌های ۲ و ۳ و ۴ نیز مشروط به شرایطی کاربرد دارد و رویکرد قانون‌گذار روزبه‌روز بیشتر به سمت افزایش نهادهای ارفاقی و کاهش مجازات حبس است.

در هر حال حبس موضوع نظام نیمه‌آزادی باید از جمله کیفرهای اصلی باشد فلذا در مورد حبس بدل از مجازات تکمیلی موضوع ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی که بر اساس قانون کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۹۹ / ۲ / ۲۳ در کلیه‌ی جرایم تعزیری به‌کار می‌رود، قابل

اعمال نیست.

۴-۳-۱-۲. شرایط ناظر بر محکوم

برای اجرای نظام نیمه‌آزادی در حبس‌های تعزیری باید شرایطی رعایت گردد که این شرایط ناظر بر خود محکوم می‌باشند.

۴-۳-۱-۲-۱. رضایت محکوم

همین ملاک در تعویق و تعلیق مراقبتی یکی از نوآوری‌های قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوبه ۱۳۹۲ بیان واژه‌ی رضایت محکوم بوده است که برگرفته از رویکردهای جرم‌شناسانه می‌باشد. رضایت محکوم را در نظام نیمه‌آزادی و نظام الکترونیکی شرط اصلی استفاده از این نظام‌ها دانسته است و شروط ضروری می‌باشد فلذا رضایت محکوم به‌عنوان شرط ضروری در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوبه ۹۲ بیان گردیده است ولی این شرط ضروری را در سایر نظام‌ها مانند نظام آزادی مشروط یا تعلیق اجرای مجازات مشاهده نمی‌کنیم اگرچه آن‌ها نیز نهادهای ارفاقی هستند.

علت شرط مذکور آن است که در طی نظام نیمه‌آزادی فرآیند اجرای حکم حبس طولانی‌تر می‌شود زیرا محکوم مدتی را که در خارج از زندان به‌سر می‌برد جزء مدت محکومیتش به حساب نخواهد آمد. (الهام، برهانی، ۱۳۹۶، ۱۷۰) و به همین علت که مدت محکومیت متهم طولانی‌تر می‌شود مقنن رضایت محکوم را که نوعی پذیرش به تأخیر افتادن پایان اجرای محکومیتش می‌باشد را ضروری دانسته است. (حیدری، ۱۳۹۴، ۳۴۷)

البته به زعم بعضی از حقوق‌دانان رضایت متهم برای تضمین کارآمدی نظام نیمه‌آزادی است چه در غیر این صورت نمی‌توان از فعالیت‌های موضوع تعهد وی انتظار آثار اصلاحی را داشت و نوعی کار اجباری محسوب می‌شود لیکن به‌نظر می‌رسد و نیز دوره مراقبت به‌عنوان یکی از جایگزین‌های حبس وجود دارد، در حالی که مقنن آن‌ها را به رضایت محکوم مقید نکرده است، لذا مینا را باید در همان طولانی شدن مدت اجرای حکم دانست. (اکرمی، ۱۳۹۳، ۱۲۲)

۴-۳-۱-۲-۲. دادن تعهد به دادگاه توسط محکوم

در این نظام در راستای بازپروری بزهکار محکوم به حبس اقداماتی را در جهت تقویت حس همبستگی اجتماعی نسبت به جامعه، خانواده خویش و قربانی جرم باید انجام بدهد که از این رو محکوم باید نسبت به انجام برخی فعالیت‌های ماده‌ی ۵۷ شعر حصری هستند اقدام نماید. زمان التزام محکوم به اجرای تعهدات تا زمان اتمام مدت محکومیت به حبس خواهد بود.

۴-۳-۱-۲-۳. سپردن تأمین مناسب

در جایی که متهم به مجازات حبس محکوم شده و این مجازات حبس ملغی شده است و محکوم برای اقدامات مقرر در ماده ۵۷ فوراً آزاد می‌شود ولیکن به جهت تضمین اجرای دقیق حکم محکومیت اخذ تأمین مناسب از او ضروری است.

از نظر مقنن ایران گزینش و اجرای روش نیمه‌آزادی به برخورداری بزهکاری از یک سری شرایط مانند سپردن تأمین مناسب برای پیشگیری از فرار احتمالی و وجود رضایت آنان نیازمند است.

۴-۳-۱-۳. شرایط ناظر بر محکوم له

در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی گذشت شاکی از جمله شرایط مقرر در اعطای نظام نیمه‌آزادی بیان شده است و این به این معناست که این نظام در جرایم غیرقابل گذشت اعمال می‌شود،

که در این ماده دو شرط با رویکرد بزه‌دیده‌مداری برای بهره‌جستن از شیوه نیمه‌آزادی پیش‌بینی شده است، شرط نخست، گذشت شاکی - بزه‌دیده و شرط دوم مشارکت بزهکار در ترمیم خسارت‌های وارد به بزه‌دیده است. به این طریق که: احراز گذشت شاکی - بزه‌دیده و تلاش بزهکار برای جبران خسارت‌های وارد شده به بزه‌دیده برای گزینش و اجرای روش نیمه‌آزادی ضروری است.

روش نیمه‌آزادی همواره در دوره‌های مختلف نظام کیفری ایران به رسمیت شناخته شده، اما در این میان فقط در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ جنبه‌ی قراردادی شدن این شیوه مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که در پرتو قانون مزبور و پذیرش رویکرد اعتبارسنجی به اراده بزهکار، شیوه نیمه‌آزادی به صورت یکی از جلوه‌های راهبرد قراردادی شدن شناسایی شده است. (نیاز پور، ۱۳۹۲، ۳۱۵-۳۱۴)

۴-۳-۲. شرایط شکلی

شرایط شکلی به معنای مقرراتی است که برای نحته اجرای نظام نیمه‌آزادی در قانون آمده است.

۴-۳-۱-۲-۳. شکل تصمیم

قانون‌گذار شکل خاصی را بیان نکرد و به صورت کلی آورده است: «محکوم را تحت نظام نیمه‌آزادی قرار دهد در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی آمده است که محکوم می‌تواند صدور حکم را تقاضا نماید. پس دادگاه نمی‌تواند تصمیم به آزادی یا قرار بگیرد.» همین‌طور برای تصمیم‌گیری به موجب ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و

اقدامات تامینی و تربیتی کشور ۱۳۸۴ بزهکاران در صورت برخورداری از شماری از شرایط - که جنبه بزه و بزهکارمدار دارند - می‌توانند مشمول شیوه نظام نیمه‌آزادی شوند. در این ماده بر اساس این ماده سن و جنس، وضعیت جسمی و روانی، چگونگی شخصیت و پیشینه بزهکاران از بارزترین شرایط فردی‌اند که پس از ارزیابی آن‌ها در خصوص استفاده از این روش تصمیم‌گیری می‌شود. علاوه بر این، میزان تحصیلات و تخصص بزهکاران نیز از مهم‌ترین شرایط محیطی هستند که بررسی آن‌ها می‌تواند در چگونگی بهره‌جستن از این روش نقش‌آفرین باشد. (صفاری، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷) بنابراین تدوین‌کنندگان آیین‌نامه مذکور با پیش‌بینی شرایط یاد شده بستری مناسب برای سنجش جنبه‌های مختلف شخصیت بزهکاران و چگونگی رفتار آنان در آینده را فراهم نموده‌اند تا به این وسیله مجرمان شایسته تشویق کیفری به شکل دقیق‌تری شناسایی شوند و تصمیم‌گیری به شکل صحیح‌تری اتفاق خواهد افتاد. (نیازپور، ۱۳۹۲، ص ۳۱۱)

۴-۳-۲-۱-۱. مرجع تصمیم

مرجع تصمیم دادگاه صادرکننده حکم قطعی است و تصریحی در قانون بر لزوم حضوری بودن دیده نمی‌شود.

در زمینه‌ی قوانین شکلی توجه به بخشی از قانون جدید آیین دادرسی کیفری الزامی است. مواد ۵۵۱، ۵۵۸ این قانون «اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی» اختصاص پیدا کرده است. در ماده ۵۵۳ این‌گونه آمده است که «در جرایم مشمول نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند پس از وصول گزارش شورای طبقه‌بندی زندان و نظریه مددکاران اجتماعی معاونت اجرای احکام کیفری، مبنی بر آن که اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی، از سوی محکوم‌علیه در خارج از محیط زندان، در فرآیند اصلاح وی یا جبران ضرر و زیان بزه‌دیده مؤثر است، به دادگاه صادرکننده حکم، پیشنهاد اجرای نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی دهد و مطابق تصمیم این دادگاه اقدام کند. (ابوالحسنی، غائمی، بی تا، ۸)

در مواد ۲۱۷ و ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ پیش‌بینی شده است که صدور قرار برای اتهامات متعدد متهم قرار تأمین واحد صادر می‌شود مگر آن که رسیدگی به جرایم ارتكابی در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف باشند که در این صورت برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه، قرار تأمین متناسب و مستقل صادر می‌شود.

فلذا در خصوص نهاد اعطا کننده مرجع تصمیم در ماده ۶۶ آیین‌نامه نهاد اعطا کننده روش نیمه‌آزادی نسبت به مجرمان شورای طبقه‌بندی زندانیان است. این شورا به‌موجب بندهای الف و

ب این ماده در خصوص «تعیین و تقسیم محل استقرار محکومان و متهمان» و «اشتغال یا عدم اشتغال به کار محکومان در مراکز اشتغال داخل و خارج از مؤسسه یا زندان» تصمیم‌گیری می‌کند. اعضای شورای طبقه‌بندی که مطابق ماده ۶۵ این آیین نامه عبارتند از: «قاضی ناظر زندان، رئیس زندان یا مرکز مربوط، مسئولان واحدهای قضایی، بازپروری، انتظامی، رئیس اندرزگاه مربوط، یک نفر روان‌شناس و یک نفر مددکار اجتماعی پس از احراز شرایط لازم در راستای اعطای این روش گام برمی‌دارند. مطابق مواد پیش فقط شورای مذکور پس از احراز شرایط لازم در این خصوص تصمیم‌گیری نموده و دیگر نیازی به جلب رضایت بزه کار نمی‌باشد و طبیعتاً نبود رضایت بزه‌کار سیاست‌های اتخاذ شده را دست‌کم با چالش‌های حقوق بشری مواجه می‌سازد. زیرا به کار گماردن افراد بدون توجه به نظر آنان جنبه بیگاری پیدا کرده و دستگاه عدالت کیفری را به عنوان ناقض ارزش‌های بنیادین حقوق بشر معرفی می‌نماید.

به همین جهت در برخی از اسناد بین‌المللی الزام‌آور از جمله بند ۳ ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ بر ممنوعیت کار اجباری حتی در قالب اجرای کیفر اشاره شده است. (نیازپور، ۱۳۹۲، ۳۱۳)

به این ترتیب تحمیل کار بر بزه‌کاران بر اساس آموزه‌های حقوق بشری ممنوع بوده و استفاده از این روش تنها همراه با رضایت مجرمان امکان‌پذیر می‌باشد.

بنابراین قراردادی پنداشتن نظام نیمه‌آزادی را با توجه به آیین‌نامه فوق که رضایت محکوم ارزشی ندارد و مهم نیست دچار تردید قرار داده‌اند چرا که اعطای این نظام را تنها به نظر شورای طبقه‌بندی سپرده است و تصمیم شورا به صورت یک‌سویه بر بزه‌کاران تحمیل می‌گردد.

در نتیجه این سیاست با ماهیت راهبرد قراردادی شدن عدالت کیفری فاصله داشته و اکنون نمی‌توان آن را شیوه‌ای قراردادی پنداشت. تردید در قراردادی دانستن این شیوه آن‌گاه تقویت می‌شود که تدوین‌کنندگان این آیین‌نامه هنگام برشمردن شرایط اعزام بزه‌کاران به مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، رضایت آنان برای اتخاذ این تصمیم را نادیده انگاشته‌اند. فلذا بهتر است نسبت به رضایت بزه‌کار در این نظام دقت نظر گردد. (نیازپور، ۱۳۹۲، ۳۱۴)

۵- ابهام‌ها در نظام نیمه‌آزادی

در قانون آمده است که اجرای فعالیت‌های موضوع تعهد، زیر نظر مراکز نیمه‌آزادی صورت می‌گیرد در حالی که این مراکز، سابقه‌ای در نظام حقوقی ایران ندارند و اصولاً سازمان این مرکز و نحوه فعالیت آن باید در قالب آیین‌نامه، پیش‌بینی شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی نظام نیمه‌آزادی در جنبه‌های مختلف اخلاقی، اجتماعی و به‌ویژه قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ در یافته شد که در این نظام با رویکردی ارفاقی نسبت به بزهکار اقدام کرد و سعی در تسامح و تساهل دارد تا بزهکار تا جایی که امکان دارد به زندان نرود. این امر در قانون کاهش حبس تعزیری پررنگ‌تر شده است به گونه‌ای که دایره‌ی جرایم تعزیری قابل گذشت را بیشتر کرده است و جرایم بیشتری را شامل می‌شود.

وقتی رویکرد قانون‌گذاران به سمت‌وسویی می‌رود که از تعداد زندانیان کاسته شود و افراد کمتری به زندان بروند، می‌توان نتیجه گرفت که بُعد اخلاقی و اجتماعی این قضیه بسیار پررنگ است و بازپروری و اصلاح بزهکار دارای اهمیت و الویت است.

بنابراین به نتایج حاصل از مقاله به‌صورت موردی اشاره خواهد شد:

۱. بازپروری یا باز اجتماعی کردن بزهکار اولین هدف و مهم‌ترین وظیفه دستگاه عدالت کیفری است که مجرم با پذیرفتن اشتباه خود و ابراز ندامت از کار خود سرعت رسیدن به این هدف را بیشتر می‌نماید.

نیمه‌آزادی می‌تواند شیوه‌های مناسب و علمی در پیشگیری از تکرار جرم و اصلاح و بازپروری مجرمین یاری نماید.

۲. تکرار جرم به عنوان معیار منحصر به فرد ارزیابی موفقیت یا عدم موفقیت نظام کیفری است.

قبول مجرمیت به‌عنوان نشانه اصلاح و بازپروری مجرم و عدم تکرار جرم نشانه موفقیت نظام عدالت کیفری در شیوه پاسخ‌دهی به این‌گونه مجرمین است.

۳. نظام نیمه‌آزادی در مرحله پیش‌دادرسی موجب قضا‌دایی و در نتیجه کاهش جمعیت کیفری کشور به‌خصوص جمعیت زندان‌ها و هزینه‌های ناشی از آن می‌گردد. علاوه بر این، موجب سرعت در رسیدگی، کاهش حجم پرونده‌ها و در نتیجه افزایش دقت در رسیدگی‌های کیفری می‌گردد. همچنین در مرحله پس‌ادارسی نیز موجب توقف دعوای کیفری و جلوگیری از چرخه طولانی دادرسی و هزینه‌های ناشی از آن صرف منابع محدود جامعه در دیگر بخش‌های مورد نیاز از جمله سلامت می‌گردد.

۴. نظام نیمه‌آزادی علاوه بر آگاهی‌بخشی به مردم (متهم/ مجرم) در خصوص حقوق و کرامت انسانی به‌هنگام رویارویی با مقام قضایی، در تحقق دادرسی عادلانه که از اراده و خواست هر دو طرف نشأت گرفته نیز تأثیر بسزایی دارد.

۵. نظام نیمه‌آزادی در جرایم تعزیری به‌کار می‌رود و در جرایم حدی و قصاص و دیات و تعزیرات منصوص شرعی اعمال نمی‌شود. بنابراین این نظام در جرایم خطرناک و پر اهمیت به

کار نمی‌رود.

۶. نظام نیمه‌آزادی در جرایم غیر قابل‌گذشت و تعزیری اعمال می‌گردد. بنابراین در جرایم قابل‌گذشت اعمال نخواهد شد، چرا که به محض گذشت شاکی در جرایم قابل‌گذشت موقوفی تعقیب صادر می‌گردد.

۷. در فقه اسلامی استفاده از مجازات حبس به‌عنوان ضمانت اجرای کیفری به‌ندرت در نصوص مورد پذیرش قرار گرفته است. از این‌رو، نظام نیمه‌آزادی همانند دیگر نهادهای جایگزین‌های حبس که بتواند به تقلیل قلمرو اجرای این مجازات یا آثار سوء آن بینجامد، نه تنها با موازین اسلامی مغایرتی ندارد بلکه گامی مؤثر در انطباق بیشتر نظام کیفری با حقوق اسلامی خواهد بود.

۸. در نظام نیمه‌آزادی رضایت محکوم شرط ضروری اعطای این نظام است و این امر برگرفته از رویکردهای جرم‌شناسان است.

پیشنهادها

۱. فرهنگ سازی کردن نظام نیمه‌آزادی در راستای کاهش مجازات حبس و افزایش بازپروری و اصلاح مجرمین.

۲. نظام نیمه‌آزادی نوعی تخفیف است بنابراین مجرمان خاصی از این جرایم استفاده می‌کنند. مناسب‌تر بود که شرایط خاصی را برای برخورداری از این تخفیف برقرار می‌ساختند مانند این‌که محکوم‌علیه فاقد سابقه محکومیت کیفری باشد و رضایت وی نیز اخذ گردد.

۳. ضمانت اجرای خاصی برای تخلف از تعزیر محکوم‌علیه پیش بینی نشده است بهتر است در اصلاحیه قانون این امر لحاظ گردد.

۴. به دست‌اندرکاران عدالت کیفری آموزش کافی در جهت قوانین جدید داده شود تا بتوانند با تخصص و آگاهی کافی به برگزاری عدالت پرداخته و قوانین نو با شکست مواجه نشود.

۵. موافقت متهم در نظام نیمه‌آزادی شرط ضروری اعطای این نظام است و برگرفته از اصل فردی کردن مجازات‌ها است. بهتر است تا موافقت متهم را در صدور قرار ترک تعقیب دعوای کیفری پیش‌بینی نمایند.

۶. با توجه به قراردادی شدن عدالت کیفری در نظام نیمه‌آزادی و در جاهای دیگر قانون مانند نظام الکترونیکی یا در خدمات عمومی رایگان یا در قراردادهای تأمین لازم است ماده‌ای را به قراردادی شدن عدالت کیفری ایران در قانون مجازات اسلامی اختصاص دهند و منسجم‌تر باشد.

۷. شناخت و ترویج انواع پاسخ‌ها چه کنشی و چه واکنشی به مردم و مجرمان زیرا شمع فروغ آگاهی موجب پر نور شدن عدالت است.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- ابراهیمی، شهرام، (۱۳۹۴)، پیشگیری از تکرار جرم در پرتو بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران، نشر میزان، صص ۱۰۵-۱۰۴.
- ۲- ابوالحسنی، سلامه، غامی، علی، (بی‌تا)، آسیب‌شناسی حقوقی نظام نیمه‌آزادی در قانون جدید مجازات اسلامی ۹۲، نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه، ص ۸.
- ۳- اکرمی، روح‌الله، سیف‌الله‌پور، فرزانه، (پاییز ۱۳۹۶)، تحلیلی در نظام نیمه‌آزادی در حقوق کیفری ایران و فرانسه با رویکردی به مبانی فقهی آن، فصلنامه پژوهش تحقیق تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال چهارم، شماره سوم، ص ۸.
- ۴- اکرمی، روح‌الله، (۱۳۹۳)، جزوه حقوق جزای عمومی ۳، دوره فقه القضاة مدرسه علمیه حضرت ولی عصر (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) زیر نظر ریاست قوه قضاییه، ص ۱۲۲.
- ۵- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن، (۱۳۹۶)، درآمدی بر حقوق جزای عمومی: واکنش در برابر جرم، تهران، نشر میزان، چ ۳، ص ۱۷۰.
- ۶- امینی، محمد، (۲۰۱۳ م)، سوداگری با تاریخ، جلد ۱، چاپ نخست، نشر: شرکت کتاب، ص ۷۵.
- ۷- آشوری، محمد، (۱۳۸۱)، آیین دادرسی کیفری، نشر سمت، جلد اول، چاپ هفتم، ص ۴۰.
- ۸- آنسل، مارک، (۱۳۸۸)، از زندان تا کیفرزدایی، ترجمه محمد اشوری، دادنامه، ش ۲.
- ۹- بایوردی، اردوان، (۱۳۹۶)، نظام نیمه‌آزادی حقوق کیفری ایران، نشر قانون یار، ص ۱۰.
- ۱۰- برنور، معصومه، (۱۳۸۸)، تدابیر حمایتی بعد از خروج از زندان در حقوق کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- ۱۱- بکاریا، سزار، (۱۳۸۵)، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، چاپ پنجم، ص ۹۵.
- ۱۲- پرادل، ژان، (۱۳۷۴)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، تهران، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ ۱.
- ۱۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۳)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ص ۲۰۰.
- ۱۴- سرکجوری، عاطفه، مصطفی، عباسی، (بی‌تا)، بررسی عملکرد نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط در نحوه بازپروری مجرم، مقاله کنفرانس، ص ۹۱.
- ۱۵- حاجی تبارفیروزجائی، حسین، (۱۳۷۸)، جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴، صص ۸۸-۶۷.
- ۱۶- حلبی، ابوالصلاح تقی‌الدین، (۱۴۰۳ق)، الکافی فی الفقه، اصفهان، جلد ۱. مکتبه الامام

امیرالمؤمنین علیه السلام.

- ۱۷- حلی (علامه)، حسن بن یوسف، (۱۴۱۰ق)، ارشادالأذهان الی احکام الایمان، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، جلد ۲، چاپ ۱.
- ۱۸- حلی (محقق)، نجم‌الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، نشر اسماعیلیان، جلد ۴، چاپ ۲.
- ۱۹- حیدری، علی‌مراد، (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی: بررسی فقهی حقوقی واکنش علیه جرم، تهران، سمت، ج ۱، ص ۳۴۷.
- ۲۰- خزایی، منوچهر، (۱۳۷۷)، بررسی نظری و عملی تسریع آیین دادرسی کیفری، مجموعه مقالات، کتابخانه گنج دانش، چاپ نخست، ص ۱۵۰.
- ۲۱- دانش، تاج‌زمان، (۱۳۷۶)، حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ص ۳۹۱.
- ۲۲- رازینی، محمدمهدی، (۱۳۹۲)، بررسی جرم‌شناختی رویکرد پلیس ایران به امنیت شهری (با مطالعه رویکرد پلیس انگلستان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۳- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، بی‌تا، التعزیر: احکامه و حدوده، قم، نشر مؤلف، ص ۵۴.
- ۲۴- صفاری، علی، (۱۳۸۷)، کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی)، چاپ چهارم، نشر جنگل، ص ۱۵۷.
- ۲۵- صانعی، پرویز، (۱۳۷۶)، حقوق جزای عمومی، چاپ هفتم، جلد ۲، تهران، گنج دانش، ص ۹۲.
- ۲۶- طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، جلد ۶ و ۱۰، چاپ ۴.
- ۲۷- عسگری، علی، (۱۳۸۳)، تأثیرات محیط زندان بر افسردگی زندانیان، نشریه اداره کل زندان‌های استان مرکزی.
- ۲۸- غلامی، حسین، (۱۳۸۷)، تکرار جرم (بررسی حقوقی - جرم‌شناختی)، نشر میزان، چاپ دوم، ص ۶۳.
- ۲۹- فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۲۲ق)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریرالوسیله: کتاب الحدود، قم، مرکز فقه الاثمه الاطهار علیهم السلام، چاپ ۱، ص ۷۰۰.
- ۳۰- قاسمی مقدم، ناصر، (۱۳۸۸)، اقدامات تأمینی در حقوق کیفری ایران، چاپ پنجم، سال چهارم، تهران، نشر میزان، ص ۲۰۷.
- ۳۱- قدسی، ابراهیم، حمزه، بیگی، (۱۳۷۲)، نظام نیمه‌آزادی در قانون جدید، کنفرانس بین‌المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی، ص ۶.

- ۳۲- کوشا، جعفر، باقر، شاملو، (۱۳۹۳)، نوآوری‌های قانون جزای جدید فرانسه، نشر میزان، چاپ ۱، ص ۲۰۲.
- ۳۳- گلدوست جویباری، (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل، تهران، صص ۶۲-۵۳.
- ۳۴- محمدی، داوود، (۱۳۸۴)، مجازات‌های جایگزین، نشر عود، چاپ اول، تهران، ص ۹۸.
- ۳۵- مرادی، فرزانه، (۱۳۹۳)، توافق با متهم در پرتو نهاد دادوستد اتهامی با تأکید بر نظام حقوقی ایران، نشر مجد، ص ۲۳۳.
- ۳۶- مظلومان، رضا، (۱۳۶۸)، جامعه، جرم، مجازات، هدف، نو و خصایص کیفرها، نشر دانشگاه تهران، ص ۱۵۰.
- ۳۷- منتظری، حسین علی، (۱۴۰۹ق)، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، قم، نشر تفکر، جلد ۲، چاپ ۲، ص ۵۱۸.
- ۳۸- موسوی فرد، سید محمدرضا، (۱۳۹۷)، جرم‌شناسی اسلامی گرایش نوین حقوق کیفری ایران و جهان اسلام، جلد اول، نشر مجد، صص ۱۹۷-۱۹۵.
- ۳۹- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، (۱۳۸۸)، حقوق کیفری اقتصادی (تعزیرات)، دوره کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۵۱.
- ۴۰- نیازپور، امیرحسین، (۱۳۹۲)، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، نشر میزان، ص ۳۰۹.
- ۴۱- وزارت الاوقاف و الشؤون الاسلامیه الکویت، (۱۴۰۹ق)، الموسوعه الفقهيّه، کویت، جلد ۱۶، چاپ ۲، ص ۳۲۰.

منابع انگلیسی

- 42- C.A.Visher, L. Winterfield and M.B. Coggeshall, (2005), "Ex-Offender) employment Programs and Recidivism: A Metaanalysis", Journal of Experimental Criminology, Vol 1, No.3, pp.295-315; VoiR, A, (2005), "Improving the employment Rates of Ex-Prisoners under Parole", Federal Probation, Vol.69, No.1, pp. 7-12; Graffamet , A, (2005), "Variables Affecting Successful Retintegration, Vol. 40, No.1, et 2 pp.147-171.
- 43- Skinner, B.F., (1953), Science and Human Behavior, New York, Macmillan, pp. 93-182.
- 44- P. Savage, Stephan, (1998), The Politics of Criminal Justice Policy, in Law, Power, and Justice in England and Wales, Edited by Lank. Mckenzie, Group, p. 111.



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی